ترجمه

عنوان مقاله:ترجمه شادروان مهدى‏[محیى الدین‏]الهى قمشه‏اى نویسنده:بهاء الدین خرمشاهى مأخذ:ترجمان وحى، س چهارم، ش اول(شهریور 1379)، ص 4 تا 22

دراین مقاله، نویسنده نخست شرح حال مهدى‏[محیى الدین‏]الهى قمشه‏اى را ذکر کرده و آثار او را بر شمرده است؛سپس به تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسى اشاره کرده و از ترجمه الهى قمشه‏اى به عنوان نخستین ترجمه روان نام برده است.

نخستین ترجمه از قرآن به زبان فارسى توسط صحابى ایرانى‏نژاد رسول الله (ص)یعنى سلمان فارسى، انجام گرفته است و از آن زمان تا عهد ناصرى که بصیر الملک، از رجال فرهنگى دربار ناصر الدین شاه، ترجمه‏اى نسبتا روان از قرآن کریم به دست داد، روند ترجمه تحت اللفظى ادامه داشت.با ترجمه فارسى شادروان مهدى الهى قمشه‏اى(1323)و روانشاد عبد الحسین آیتى(1324 تا 1326)عصر ترجمه تحت اللفظى هزار ساله به سرآمد.

نویسنده مقاله، چاپها و ویرایشهاى مختلف ترجمه الهى قمشه‏اى را معرفى کرده و نیز نقدهایى را که بر این ترجمه نوشته شده، نام برده است.مهمترین و جدیدترین ویرایش این ترجمه، ویرایش آقاى حسین استاد ولى است که در سال 1377 منتشر شده است.نویسنده مقاله نمونه‏هایى از متن ویراسته استاد ولى را با متن مقدس قرآن و دو چاپ پیشین ترجمه الهى قمشه‏اى مقابله کرده و به این نتیجه رسیده است که ویراستار محترم در حدود 60 درصد از اغلاط علمى این ترجمه را بر طرف ساخته، ولى نه اضافات مزجى را زدوده و نه اضافات داخل پرانتز را...

سخن آخر این است که شادروان الهى قمشه‏اى در تأسیس شیوه ترجمه امروزین و راحت و روان قرآن کریم(به نثر معیار و معاصر روز)سهمى فراموش نشدنى دارد و فضل تقدم و تقدم فضل او را هیچ مترجم و خواننده و منتقد منصفى نباید از یاد ببرد.کار او را با رسالت تاریخى-فرهنگى نیما یوشیج(على اسفندیارى)پدر و بانى شعر نو فارسى مى‏توان مقایسه کرد که ابتکار و به قول قدما «بدعت حسنه»یعنى نوآورى سنجیده‏اى به میان آورد.

رهیافت کلى شادروان الهى قمشه‏اى به صرافت طبع و ذوق سلیم و فطرت مستقیمش به ترجمه قرآن درست و علمى بوده است؛اما در جزئیات و فرعیات و مفردات و ترکیبات و مسائل صناعى و فنى ترجمه کمبودهایى داشته است.

عنوان مقاله:جایگاه ترجمه در فرهنگستان

نویسنده:على خزاعى‏فر

مأخذ:نشر دانش، س هفدهم، ش اول(بهار 1379)، ص 44 تا 47

فرهنگستان زبان و ادب فارسى، فعالیتهاى متعددى با حفظ و توسعه زبان و ادبیات فارسى در دستور کار خود قرار داده است.کار فرهنگستان در زمینه واژگان، فقط بخشى از کار در زمینه زبان است و در حفظ و گسترش زبان، بعد واژگانى نسبت به ابعاد نحوى و معنایى ضرورت و اهمیت کمترى دارد.

نویسنده تأثیر نامطلوب ترجمه بر زبان فارسى و غفلت فرهنگستان از آن را یادآور شده و نوشته است:آنچه اهمیت دارد نحوه برقرارى پیوند میان کلمات است.اگر جمله‏اى مطابق با قواعد نحوى و معنایى زبان فارسى نوشته شده باشد، اما یک یا دو کلمه آن خارجى باشد، آسیبى به زبان وارد نمى‏کند.مترجمان خام به جاى استفاده از تواناییهایى واژگانى، نحوى و معنایى زبان فارسى، عناصر واژگانى، نحوى و معنایى زبان خارجى را بر زبان فارسى تحمیل مى‏کنند.ولى مترجمان توانا کلمات، تعبیرات، نحو و معنا را تا آن‏جا که زبان فارسى توان پذیرش دارد، به فارسى انتقال مى‏دهند و با این کار موجب بسط و گسترش و غنى سازى زبان فارسى مى‏شوند.

نویسنده با آوردن نمونه‏اى از ترجمه‏هاى نامطلوب، نشان داده است که متن ترجمه شده از شیوه بیان فارسى بسیار دور و به ترکیبات، تعبیرات و ساختارهاى متن اصلى نزدیک است.این نوع متنها حاصل رو آوردن مترجمان به روش«لفظ گرایى»است.

در پایان مقاله، نویسنده عوامل گرایش مترجمان به شیوه لفظ گرایى را ذکر کرده و ضرورت نظارت فرهنگستان بر کار ترجمه و راهنمایى مترجمان را یادآور شده است.